

دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه در روز:

وَ كَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ

«دعای آن حضرت در روز عرفه»

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ السَّمَوَاتِ

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است، بار خدایا تو را سپاس ای پدید آورنده آسمانها

وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَ إِلَهَ كُلِّ

و زمین، ای صاحب جلال و بزرگواری، ای ربّ ارباب، و معبود

مَالُوهُ، وَ خَالِقَ كُلِّ - مَخْلُوقٍ، وَ وَارِثَ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ

هر معبود و آفریننده هر آفریده، و وارث هر چیز، ای که چیزی

كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ - شَيْءٍ

شبیهِ تو نیست، و علم چیزی از تو پنهان نیست، بلکه بر هر چیز

مُحِيطٌ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

احاطه‌داری، و نسبت به هر چیز نگهبانی، تویی خدایی که جز تو خدایی نیست،

الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ، الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

که یکتای بی‌همتایی، و فرد بی‌مانندی، تویی خدایی که جز تو خدایی نیست،

الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ، - الْعَظِيمُ الْمُتَعَظِّمُ، - الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَ أَنْتَ

که بزرگوار و بخشنده، و بزرگ در نهایت بزرگی، و کبیر و متکبری، و تویی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمِحَالِ، وَ أَنْتَ

خدایی که جز تو خدایی نیست، بلند مرتبه و بلند پایه، و شدید الانتقامی، و تویی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ، وَ

خدایی که جز تو خدایی نیست، که بخشنده و مهربان و دانا و حکیمی، و

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ، وَ

تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، که شنوا و بینا و قدیم و خبری، و

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ

تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، که کریمی و از همه کریم‌تری، و همیشگی و جاویدی،

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ

و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، که پیش از هر کس و هر چیزی، و بعد

بَعْدَ كُلِّ - عَدَدٍ، وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ،

از هر شمار و هر چیزی، و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، که در نهایت بلندی خود نزدیک،

وَالْعَالِي فِي دُنُوهِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ،

و در نزدیکی خود بلندی، و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، که صاحب بها و مجد،

وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ

و کبریا و ستایشی، و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، خدایی که همه چیز را

الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنَخٍ، وَ صَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ

بدون اصل پدید آوردی، و صورت هر چیز را بدون

مِثَالٍ، وَ ابْتَدَعْتَ الْمُبتَدَعَاتِ بِلاَ اخْتِدَاءٍ، أَنْتَ الَّذِي

نمونه صورت دادی، و آفریده‌ها را منهای اقتباس ساختی، تویی که هر چیز را

قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَ يَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَ

دقیقاً اندازه‌گیری کردی، و هر چیز را برای انجام تکلیفش روبراه کردی، و

دَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا، أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ

ماسوای خود را سر و سامان دادی، تویی که در ایجاد موجودات

شَرِيكَ، وَلَمْ يُؤَاوِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ

شریکی به کمکت برنخاست، و در فرمانروایت وزیری تو را یاری نداد، و برایت شاهد (بر آفرینش)

و لَا نَظِيرُ، أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَ

و نظیری نبود، تویی که اراده فرمودی پس اراده‌ات حتمی شد، و

قَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَ حَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا

قضاوت کردی و قضاوتت بر اساس عدل بود، و حکم فرمودی پس حکمت

حَكَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي لَا يَخْوِيكَ مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ

بر مبنای انصاف بود، تویی که مکانی تو را فرا نمی‌گیرد، و سلطه‌ای در برابر سلطه‌ات

سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُعْيِكَ بُرْهَانٌ وَ لَا بَيَانٌ، أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ

بر پا نخواست، و برهان و بیانی حضرتت را عاجز نکرده، تویی که هر چیز را

كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَ جَعَلْتَ لِكُلِّ - شَيْءٍ أَمَدًا، وَ قَدَّرْتَ كُلَّ

به شمار آوردی، و برای هر چیز مدتی قرار دادی، و هر چیز را

شَيْءٍ تَقْدِيرًا، أَنْتَ الَّذِي قَصُرَتِ الْأَوْهَامُ عَنْ ذَاتِيَّتِكَ،

اندازه گرفتی، تویی که پرنده‌های اوهام به کنه ذاتت نرسیدند،

وَ عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ

و فهمها از درک کیفیت ناتوان شدند، و چشمها موضعت را

أَيْنَيْتِكَ، أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَلَمْ تُمَثَّلْ

درنیافتند، تویی که برای حدی نیست تا محدود شوی، و حضرتت را مانندی

فَتَكُونُ مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا، أَنْتَ الَّذِي لَا

نیست تا به مثل و مانند ادراک شوی، و فرزندی نیاوردی تا خود نیز زاییده شده باشی، تویی که برای

ضِدٌّ مَعَكَ فَيُعَانِدُكَ، وَلَا عِدْلَ لَكَ فَيُكَاثِرُكَ، وَلَا يَدَّ لَكَ

همتایی نیست تا با تو به معارضا برخیزد، و همانندی نداری تا با تو پهلوی زند، و نظیری برای نیست

فَيُعَارِضُكَ، أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ وَ اخْتَرَعَ! وَ اسْتَحْدَثَ

تا با تو عرض وجود کند، تویی که آغاز کردی و اختراع فرمودی، و پدید آوردی

وَ ابْتَدَعَ، وَ أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ، سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلٌ

و بدون نمونه آفریدی، و هر چه را ساختی نیکو ساختی، پاک و منزهی، چه بزرگ است

شَانَكَ! وَ أَسْنَى فِي الْأَمَاكِينِ مَكَانَكَ! وَ أَصْدَعَ بِالْحَقِّ

شأنت! و چه بلند است در میان جایگاهها جایگاهت! و چه آشکار کننده حق است

فُرْقَانَكَ! سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا اللَّطَفُكَ! وَ رَوْفٍ مَا

فرقانت! پاکی تو ای صاحب لطفی که چه بسیار است لطفت! و رثوفی که چه فزون است

أَرَأَفَكَ! وَ حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ! سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِكٍ مَا

رَأَفْتَ! و حکیمی که چه بسیار است شناسائیت! پاکی تو ای پادشاهی که چه شکوهمند است

أَمْنَعَكَ! وَجَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ! ، وَ رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ! ذُو الْبَهَاءِ

پادشاهیت! و بخشنده‌ای که چه پهناور است سفره کرم‌ت! و والایی که چه والاست قدر و مرتبه‌ات،

وَالْمَجْدِ، وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ. سُبْحَانَكَ! بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ

تو صاحب بهاء و مجد و کبریایی و حمدی. پاکی تو، دست قدرتت را به خوبیها

يَدَكَ، وَ عَرَفْتَ الْهِدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ التَّمَسَّكَ لِدِينِ

گشوده‌ای، و هدایت از جانب تو شناخته شده، پس هر کس تو را برای دین

أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ. سُبْحَانَكَ! خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي

یا دنیا بخواهد تو را می‌یابد. پاک و منزهی، هر که در عرصه علم تو قرار گرفته در پیشگاهت خاضع،

عِلْمِكَ، وَخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَ انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ

و هرچه در زیر عرش توست در مقابل بزرگیت خاشع، و همه مخلوقات در پیشگاه تو ریسمان تسلیم

لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ. سُبْحَانَكَ! لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ وَ لَا تُمَسُّ،

به گردن انداخته است. پاکی تو که با حواس برون و درون درک نشوی، و قابل لمس نیستی،

و لَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ وَلَا تُنَازَعُ وَلَا تُجَارَى وَلَا تُمَارَى

و احدی را قدرت حيله گری و کنارزدن، و کشمکش و دعا و غلبه و جدال و

و لَا تُخَادَعُ وَلَا تُمَآكِرُ. سُبْحَانَكَ! سَبِيلُكَ جَدُّ، وَأَمْرُكَ رَشْدُ،

فريب و مکر با تو نیست. پاکی تو که راحت هموار، و برنامه‌ات صواب،

وَأَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ. سُبْحَانَكَ! قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَقَضَاؤُكَ

و تو زنده و مرجع حاجت‌هایی. پاکی تو، گفتارت حکمت، و فرمانت

حَتْمٌ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ. سُبْحَانَكَ! لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ

حتمی، و اراده‌ات جزمی است. پاکی تو، خواسته‌ات را رد کننده‌ای نیست،

و لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ. سُبْحَانَكَ! بَاهِرَ الْآيَاتِ، فَاطِرَ

و کلمات را تغییر دهنده‌ای نیست. پاکی تو، ای دارنده آیات روشن، ای پدید آورنده

السَّمَوَاتِ، بَارِئِ النَّسَمَاتِ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ

آسمانها، ای آفریننده جانها، سپاس تو را سپاسی که به

بِدَوَامِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ، وَ لَكَ

دوامت دائم ماند، و تو را سپاس سپاسی که به نعمت همیشه بپاید، و تو

الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ

را سپاس سپاسی که با احسانت برابری کند، و تو را سپاس سپاسی که بر

عَلَى رِضَاكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَ

خشنودیت بیفزاید، و سپاس تو را سپاسی که با سپاس هر سپاسگزاری توأم باشد، و

شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ - شَاكِرٍ، حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا

شکری که شکر هر شاکری از آن کوتاه آید، سپاسی که سزاوار غیر تو نباشد،

لَكَ، وَلَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ، حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ،

و وسیله تقرب به غیر حضرتت نشود، سپاسی که موجب دوام سپاس اول،

وَ يُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ، حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورٍ

و به دنبال داشتن دوام سپاس پایانی شود، سپاسی که بر گردش زمانها چند

الْأَزْمِنَةِ، وَ يَتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً، حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ

برابر شود، و به افزایش های پی در پی فزونی یابد، سپاسی که فرشتگان

إِحْصَائِهِ الْحَفَظَةُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي كِتَابِكَ

حافظ اعمال از شمردنش عاجز شوند، حمدی که از شماره اعمال بندگان که ملائکه در کتاب

الْكَتَبَةُ، حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ، وَ يُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ

تو می نویسد افزون باشد، سپاسی که با عرش برینت هموزن باشد، و با کرسی بلندت

الرَّفِيعَ، حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءِ

معادل نشان دهد، سپاسی که پاداشش از جانب تو کامل شود، و مزدش همه مرزها را

جَزَاؤُهُ، حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفَقُّ لِيَصِدِّقَ

فرا گیرد، سپاسی که ظاهرش با باطنش، و درونش با صدق نیت وفق دهد،

النِّيَّةَ، حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلُهُ، وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ

سپاسی که هیچ آفریده به مثل آن تو را سپاس نکرده باشد، و جز تو هیچ کس

فَضْلُهُ، حَمْدًا يُعَانُ مَنْ اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ، وَ يُؤَيِّدُ مَنْ

فضل آن را شناسد، سپاسی که هر کس در فراوان آوردنش زحمت کشد یاری شود و هر که در کامل

أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيقَتِهِ، حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ،

آوردنش نهایت کوشش را به کار برد تأیید شود، سپاسی که هر چه سپاس آفریده‌ای را دارا باشد،

وَ يَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ، حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ

و هر چه را پس از این به وجود آوری در برگیرد، سپاسی که هیچ سپاس از آن

إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ، حَمْدًا يُوجِبُ

به کلام تو نزدیکتر، و هیچ کس از آن کس که بر این گونه سپاس گوید سپاس گزارتر نباشد، سپاسی که

بِكْرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ، وَ تَصْلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوْلًا

به کرمت باعث افزونی نعمت و وفور آن شود و از باب احسان پس از هر فزونی آن را

مِنْكَ، حَمْدًا يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ، وَ يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ.

به فزونی دیگر برسانی، سپاسی که با بزرگواری ذات تو واجب آمده، و با جلال و عظمت تو برابر باشد.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَنَجِّبِ الْمُصْطَفَى

بار خدایا بر محمد و آل محمد که انتخاب شده و برگزیده

الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ

و گرامی و مقرب درگاه توسست بهترین درودهای خود را بفرست، و او را به کاملترین

بِرَكَاتِكَ، وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعَ رَحْمَاتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى

برکاتت برکت عنایت کن، و پر بهره‌ترین رحمتت را نصیب او فرما. خداوندا بر محمد و آلش

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوَةٌ زَاكِيَةٌ لَا تَكُونُ صَلَوَةٌ أَرْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ

درود فرست، درودی بالنده که هیچ درودی از آن بالنده‌تر نباشد، و بر او درودی

عَلَيْهِ صَلَوةٌ نَامِيَةٌ لَا تَكُونُ صَلَوةً اَنْمَى مِنْهَا، وَ صَلَّ

فزاینده فرست که درودی از آن فزاینده‌تر نباشد، و بر او درودی

عَلَيْهِ صَلَوةٌ رَاضِيَةٌ لَا تَكُونُ صَلَوةً فَوْقَهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَى

پسندیده فرست که دوری برتر از آن نباشد، پروردگارا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ

محمد و آلش درود فرست، درودی که وی را خشنود سازد و بیش از رضایش باشد، و بر

صَلَوةً تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ، وَ صَلَّ - عَلَيْهِ صَلَوةٌ

او درودی فرست که تو را خشنود سازد و بیش از رضایت از او باشد، و بر او درودی فرست

لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. رَبِّ صَلِّ عَلَى

که برای او جز به آن خشنود نشوی، و غیر او کسی را شایسته آن ندانی. پروردگارا بر محمد و آلش

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا

درود فرست، درودی که از رضای تو فراتر رود، و دوامش به دوام تو متصل

بِبَقَائِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى

گردد، و پایان نپذیرد چنانکه کلمات تو پایان نگیرد. پروردگارا بر محمد و آلش

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَةٌ تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ

درود فرست، درودی برابر همه درودهای فرشتگان و پیمبران

وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ

و فرستادگان تو و آنان که اهل طاعت تو باشند، و شامل بر درود بندگان

مِنْ جَنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَوَةٍ

از جنّ و انس و پذیرندگان دعوت گردد، و درود هر که را

كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ

از انواع مخلوقات خود که آفریده‌ای و پدید آورده‌ای در بگیرد. خداوندا بر او و آلش

وَ آلِهِ، صَلَوَةٌ تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَوَةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأَنَفَةٍ، وَ صَلِّ

درود فرست، درودی که بر هر درود گذشته و تازه‌ای محیط باشد، و

عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، صَلَوَةٌ مَرْضِيَّةٌ لَكَ وَ لِمَنْ دُونَكَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ

بر او و آلش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد، و در کنار آن

ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا،

درودهایی بیافرینی که آن درودهای گذشته را چند برابر کنی،

و تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لَا يَعُدُّهَا

و با دور روزگار چندان بر آن اضافه کنی که غیر تو از شمارش آن ناتوان

غَيْرُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ

باشد. خداوندا درود فرست بر پاکیزه‌تران از اهل بیت او که ایشان را برای اجرای فرمان خود انتخاب

لَا مَرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفَظْتَ دِينِكَ، وَ

کرده‌ای، و آنان را گنجینه‌داران علم و حافظان دین و

خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ

خلفای خود در زمین، و حجت‌های خویش بر بندگان قرار داده‌ای، و به اراده خود ایشان را

مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ

از پلیدی به تمام معنی پاک کرده‌ای، و آنان را وسیله‌ای به سوی - خود،

إِلَيْكَ، وَالْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

و راه بهشت خود نموده‌ای. خداوندا بر محمد و آلش درود فرست،

صَلَوَةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَ تُكْمِلُ لَهُمْ

درودی که به سبب آن بخشش و بزرگواریت را در حق ایشان بزرگ گردانی، و هر گونه

الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ، وَتَوْفَّرُ عَلَيْهِمُ الْحِطُّ مِنْ

عطا و احسانت را درباره ایشان کامل کنی، و بهره آنان را از

عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَوةً لَا أَمَدَ

تمام عوائد و فوائد خود سرشار نمایی. الهی بر او و بر ایشان درودی فرست که

فِي أَوَّلِهَا، وَ لَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَ لَا نِهَائَةَ لِآخِرِهَا. رَبِّ صَلِّ

آغازش را مرزی، و مدتش را پایانی، و آخرش را نهایی نباشد. خداوند برای ایشان

عَلَيْهِمْ زِينَةُ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ، وَ مِلَاسْمَوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ،

درودی فرست همپایه عرش و آنچه زیر عرش است، و به گنجایش آسمانها و آنچه فوق آنهاست،

وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، صَلَوةً تُقَرِّبُهُمْ

و به شمار زمینهایت و آنچه زیر آنها و میانشان قرار دارد، درودی که آنان را بدان سبب

مِنْكَ رُفًى، وَتَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضًى، وَ مُتَّصِلَةٌ بِنِطَائِرِهِنَّ

به کمال قرب خود رسانی، و برای تو و ایشان رضا و خشنودی باشد، و برای همیشه

أَبَدًا. اَللّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا

به نظائر آن متصل گردد. خداوند تو در هر زمان دینت را به سبب رهبری بر حق تأیید کردی و او را نشانه‌ای

لِعِبَادِكَ، وَ مَنَاراً فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ،

برای بندگان، و مشعلی فروزان در شهرهایت بپا داشتی، پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود وصل کردی،

وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ

و او را سبب دستیابی به رضای خود ساختی، و طاعتش را بر همه واجب فرمودی، و

حَدَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوْامِرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ

از نافرمانیش بیم دادی، و به اطاعت دستوراتش، و باز ایستادن از

نَهْيِهِ، وَ الْإِيْتِقَادَ لَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَ لَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ

نواهیش، و پیشی نجستن بر او، و واپس نماندن از حضرتش فرمان دادی، پس او

عِصْمَةُ الْإِيْذِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ غُرُوةُ الْمُتَمَسِّكِينَ،

پناه پناهندگان، و ملجأ اهل ایمان، و دستاویز چنگ‌زندگان،

وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ فَآوِزْ لِّوَلِيِّكَ شُكْرَ مَا اَنْعَمْتَ

و جمال جهانیان است. الهی، ولی خود را به سپاس آنچه بر او انعام کردی

بِهِ عَلَيْهِ، وَ آوِزْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً،

الهام کن، و ما را نیز به شکر نعمت وجود رهبر برحق ملهم فرما و از نزد خویش قدرتی یاری دهنده به او ببخش،

وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ اعِنْهُ بِرُكْنِكَ الْاَعَزَّ، وَ اَشْدُدْ اَرْزَهُ،

و درهای کامیابی را سهل و آسان به رویش باز کن، و او را به قوی‌ترین تکیه‌گاه خود مدد ده، و او را پشت گرم ساز،

وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَ انْصُرْهُ

و بازویش را توان بخش، و به‌نظر لطف و عنایت خود مراقبت کن، و به حفظ خویش حمایت نما، و او را به

بِمَلَائِكَتِكَ، وَ اَمُدَّهُ بِجُنْدِكَ الْاَغْلَبِ، وَ اَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ

ملائکه خود یاری ده، و به نیرومندترین سپاهت مدد رسان، و کتاب

وَ حَدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللّٰهُمَّ

و حدود و شرایعت و سنت‌های رسولت را - که صلوات بر او

عَلَيْهِ وَ اِلٰهِ، وَ اَخِي بِهِ مَا اَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ،

و آتش باد - به وسیله او بر پادار، و آنچه از علائم آیینت را که اهل تجاوز می‌رانده‌اند به‌وسیله او زنده کن،

وَ اجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ ابْنُ بِهِ الضَّرَاءَ

و از برکت وجودش زنگار ستم از طریقت خود پاک فرما، و ناهمواری را از جاده خود

مِنْ سَبِيلِكَ، وَ اَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ

برطرف کن، و به وسیله او آنان را که انحراف از راهت گزیده‌اند از سر راه بردار، و آنان را که

بِهِ بُغَاةً قَصْدِكَ عَوَجًا، وَالْإِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَأَبْسُطْ يَدَهُ

قصد ایجاد کجی دارند از عرصه‌گاه حیات ریشه کن فرما، و دلش را در حق دوستانت نرم، و دستش

عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ،

را بر دشمنات گشوده ساز، و رأفت و رحمت و عطوفت و مهربانیش را به ما ارزانی دار،

وَأَجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَإِلَى

و ما را از گوش دهندگان و اطاعت کنندگان وی قرار ده، و در راه خشنودی حضرتش پوینده، و در

نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةَ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ-

یاری و دفاع از او مددکار قرار ده، و بدین ترتیب به حضرت تو و رسول بزرگوارت

صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ

-که درودت بر او و آتش باد- تقرب جوئیم. الهما، و بر دوستان ایشان درود فرست

عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمْ،

که به مقامشان اعتراف دارند، و پیرو راهشان هستند،

الْمُقْتَفِينَ أَثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ

و دنباله‌رو آثارشان، و چنگ زننده به دستاویزشان، و متمسک

بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ،

به ولایتشان، و اقتدا کننده به امامتشان، و تسلیم امرشان،

الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ

و کوشنده در فرمانبرداریشان، و منتظر حکومتشان، و چشم دوخته

أَعْيُنُهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّائِكِيَّاتِ النَّامِيَّاتِ الْعَادِيَّاتِ

بر ایشانند، درودهای پربرکت و پاکیزه و فزاینده‌ای که صبحگاهان و شامگاهان

الرَّائِحَاتِ، وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَ أَجْمَعَ عَلَى

در رسند، و درود فرست بر ایشان و بر ارواحشان، و کارشان را بر اساس

التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَ أَصْلَحَ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَ تَبَّ عَلَيْهِمْ،

تقوا فراهم‌آور، و احوالشان را به سامان‌آر، و توبه آنان را قبول فرما،

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا

زیرا که تو بسی توبه‌پذیر و مهربان، و بهترین آمرزندگان، و ما را

مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به رحمت خود در جایگاه امن و امان در کنار ایشان قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

اَللّٰهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةٍ، يَوْمُ شَرَفَتُهُ وَ كَرَمَتُهُ وَ عَظُمَتُهُ، نَشَرْتُ

خداوندا، این روز عرفه روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت دادی، سفره

فِيهِ رَحْمَتُكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ أَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ،

رحمتت را در آن گستردی، و با بخششت بر بندگان منت نهادی، و عطایت را در آن فراوان فرمودی

وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ. اَللّٰهُمَّ وَ اَنَا عَبْدُكَ الَّذِي اَنْعَمْتَ

و به وسیله‌اش بر بندگان خود احسان کردی. بارالها، و من آن بنده‌ای هستم که قبل از آفریدنش و پس از

عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَعْدَ خَلْقِكَ اِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِنَّنٍ هَدِيَّتُهُ

خلقتش بر او انعام فرمودی، و او را از جمله کسانی قرار دادی که به آئین خود

لِدِينِكَ، وَ وَقَفْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ اَدْخَلْتَهُ

رهبری فرمودی، و برای ادای حق خویش توفیق دادی، و او را با ریسمان خویش نگاه‌داشتی، و در

فِي حِزْبِكَ، وَ ارْشَدْتَهُ لِمُؤَالَاهِ اَوْلِيَائِكَ، وَ مُعَادَاهِ اَعْدَائِكَ،

حزب خود وارد کردی، و به دوستداری دوستانت، و دشمنی دشمنانت رهنمون شدی،

ثُمَّ اَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ

و با این همه به او دستور دادی ولی اطاعت نکرد، و نهی فرمودی اما باز نایستاد،

مَعْصِيَّتِكَ فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةً لَكَ، وَلَا

و از نافرمانی خود بر حذرش داشتی ولی پس از امر تو به سوی نهیت شتافت، نه از باب دشمنی با تو، و نه

اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ، وَإِلَى مَا

از جهت گردنکشی در برابر تو، بلکه هوای نفس وی را به آنچه تواس از آن راندی و

حَذَرْتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ

ترساندی کشاند، و دشمن تو و دشمن او وی را در این زمینه کمک داد، تا در عین معرفت

عَارِفاً بِوَعِيدِكَ، رَاجِئاً لِعَفْوِكَ، وَائْتِقاً بِتَجَاوُزِكَ، وَ كَانَ

به تهدید تو دست به گناه زد، در حالی که به عفو تو امیدوار، و به گذشت اعتماد داشت، با وجود

أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا يَفْعَلُ. وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ

آن همه محبت که در حقش فرمودی شایسته‌ترین بندگان بود که دامن آلوده نکند. و اینک من

يَدِيكَ صَاحِراً ذَلِيلاً خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً مُعْتَرِفاً بِعَظِيمِ

در برابر تو خوار و ذلیل و خاضع و خاشع و ترسان و معترف به گناهان بزرگی

مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ،

که بارش را بر دوش برداشته‌ام، و خطاهای فراوانی که انجام داده‌ام ایستاده‌ام،

مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ، لَا إِذًا بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي

و به عفوت پناه آورده‌ام، و به رحمتت ملتجی شده‌ام، و حتم دارم که امان‌دهنده‌ای

مِنْكَ مُجِيرٌ، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ، فَعُدْ عَلَيَّ بِمَا

مرا از تو امان نمی‌دهد، و باز دارنده‌ای مرا از تو باز نمی‌دارد، پس آنچه را بر معصیت‌کار

تَعُودُ بِهِ عَلَيَّ مَنْ افْتَرَفَ مِنْ تَعَمُّدِكَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ

می‌پوشی به من عنایت کن، و عفوئی که به تسلیم شونده به حضرتت می‌بخشی

بِهِ عَلَيَّ مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَ اْمُنْ عَلَيَّ بِمَا

بر من ببخش، و آمرزشی را که چون به شخص امیدوار مرحمت کنی

لَا يَتَعَاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مَنْ أَمْلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ، وَاجْعَلْ

در نظرت بزرگ نمی‌نماید بر من منت بنه، و در این

لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ،

روز به من نصیبی مرحمت فرما که به سبب آن بهره‌ای از رضای تو یابم، و از آنچه

وَلَا تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَإِنِّي

قسمت کوشندگان در عبادت می‌شود مرا تهیدست بر مگردان، و من

وَإِنْ لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

گرچه اعمال صالحه‌ای که آنان پیش فرستاده‌اند پیش نفرستاده‌ام ولی توحید

وَنَفَى الْأَضْدَادِ وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَآتَيْتُكَ مِنْ

تو و نفی هر گونه شبه یا همتا یا همانند را از وجود مبارکت قبول کرده و از همان

الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا

راهها که فرمان داده‌ای تا از آن به سویت آیند آمده‌ام، و تقرب جستم به تو

لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ، ثُمَّ أَتَبَعْتُ ذَلِكَ

با آن وسیله‌ای که کسی جز با تقرب به آن به قرب حضرتت نرسد، و به دنبال آن دل

بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَالتَّذَلُّلِ وَالْإِسْتِكَانَةِ لَكَ، وَحُسْنِ الظَّنِّ

دادن به تو و خواری و زاری در برابر و حسن ظن و اطمینان کامل به آنچه را

بِكَ، وَالثَّقَّةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا

نزد توست بدرقه کرده‌ام، و امید به تو را که کمتر امیدواری با داشتن آن

يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ، وَسَأَلْتُكَ مَسْئَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ

نومید می‌شود ضمیمه آن فرمودم، و همانند درخواست شخص – کوچک خوار

الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةً وَتَضَرُّعًا

بینوای تهیدست ترسان پناه‌خواهنده از تو درخواست کردم، همراه با بیم و زاری

وَتَعَوُّذًا وَتَلَوُّدًا، لَا مُسْتَطِيلًا بِتَكْبَرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَلَا مُتَعَالِيًا

و امان‌طلبی و پناه‌خواهی، نه از روی گردنکشی ناشی از کبر متکبران، و نه از روی بلند پروازی

بِدَالَةِ الْمُطِيعِينَ، وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ، وَ أَنَا

ناشی از خاطر جمعی فرمانبرداران، و نه از روی برتری‌جویی بر پایه شفاعت شفیعان، و من

بَعْدَ أَقْلُ الْأَقْلِينَ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّينَ، وَ مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونِهَا.

گذشته از این، کمترین کمتران، و خوارترین خواران، و همانند ذره یا کمتر از آنم.

فَيَأْمَنُ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ، وَلَا يَنْدُهُ الْمُتَرْفِينَ، وَيَأْمَنُ يَمْنٌ

پس ای آن که در عقاب بدکاران عجله نمی‌کنی، و فراخی عیش مترفین را ناگهان نمی‌گیری، و ای که از

بِإِقَالَةِ الْعَاثِرِينَ، وَ يَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ، أَنَا الْمُسِيءُ

لغزش لغزندگان درمی‌گذری، و به خطا کاران مهلت می‌دهی، منم آن بدکار

الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ، أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِئًا،

معترف، خطاکار لغزش‌دار، منم که از روی جرأت بر علیه تو قدم برداشتم،

أَنَا الَّذِي عَصَاكَ - مُتَعَمِّدًا، أَنَا الَّذِي اسْتَخَفِي مِنْ عِبَادِكَ وَ

منم که از روی عمد نافرمانیت کردم، منم که کار زشت خود را از بندگان پوشانده و آشکارا به مخالفت

بَارَزَكَ، أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ، أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ

با تو برخاستم، منم که از بندگان تو ترسیده و از حضرت تو ایمن گشتم، منم که از هیبت تو

سَطَوْتُكَ، وَ لَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ، أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ، أَنَا

نهراسیده، و از خشم نترسیدم، منم که در حق خود جنایت کردم، منم

الْمُرْتَهَنُ بِبِلْيَتِهِ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ، أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ، بِحَقِّ

که در گرو بلای خودم، منم که کم حیاام، منم که دارای گرفتاری فراوانم. به حق

مَنْ اُنْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ

آن که او را از خلق خود برگزیدی، و حضرتش را برای خود پسندیدی، به حق

مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِّيَّتِكَ، وَ مَنِ اجْتَبَيْتَ لِشَانِكَ، بِحَقِّ

آن که از آفریدگانت اختیار فرمودی، و برای امر خود برگزیدی، به حق آن که

مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ، وَ مَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ

طاعتش را به طاعت خود وصل کردی، و آن که نافرمانیش را همانند نافرمانی

كَمَعْصِيَّتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ بِمُؤَالَاتِكَ، وَ مَنْ

خود قلمداد کرده‌ای، به حق آن که دوستیش را به دوستی خود مقرون کردی، و دشمنیش

نُطِئْتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ

را به دشمنی خود مرتبط فرمودی، مرا در این روز جامه‌ای بیوشان که بر آن کس می‌پوشانی که از گناه

بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَ عَاذَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا، وَ

خود به حضرتت زاری و عذرخواهی کرده و در حال توبه پناهنده به آمرزشت شده، و

تَوَلَّيْنِي بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ وَالْمَكَانَةَ

مرا بدان‌سان که اهل طاعت و قرب و منزلت نزد خود را سرپرستی می‌کنی سرپرستی

مِنْكَ، وَ تَوَخَّذْنِي بِمَا تَتَوَخَّذُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَ اتَّعَبَ

کن، و خود به تنهایی آنچه را که به وفاکنندگان به عهدهت و به تعباندازندگان وجود خویش در راهت و

نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي

خسته‌کنندگان خود جهت خوشنودیت می‌دهی به من عطا کن، و مرا به تقصیر

بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَ تَعَدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ، وَ

در حَقّت، و تجاوز از مرز خوشنودیت، و پافرا گذاشتن از احکامات

مُجَاوِزَةَ أَحْكَامِكَ، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِإِسْتِدْرَاجٍ

مجازات مکن، و با مهلت دادن به من غافلگیرم منما همچون غافلگیر کردن کسی که

مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ، وَلَمْ يَشْرُكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ

خیرش را از من بازگیرد، و تو را در رسیدن نعمتهایش به من شریک

بِی، وَ تَبَهَّنِي مِنْ رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَ سِنَّةِ الْمُسْرِفِينَ، وَ نَعْسَهُ

نداند، و مرا از خواب غافلین، و خواب آلودگی مسرفین، و چرت به خود وا گذاشتگان

الْمُخْذُولِينَ، وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْفَاتِنِينَ،

بیدار کن، و دلم را به مسیری ببر که فرمانبرانت را به آن گماشته‌ای،

وَ اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَوِّنِينَ، وَ

و کوشش کنندگان در عرصه گاه عبادت را بر آن داشته‌ای، و مسامحه کاران را با آن نجات داده‌ای،

أَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ،

و مرا از آنچه موجب دوری از تو شود، و میان من و بهره‌ام از تو حایل شود

وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحُولُ لَدَيْكَ، وَ سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ

و از آنچه نزد تو می‌جویم باز می‌دارد پناه ده، و راه سلوک خیرات را به

إِلَيْكَ، وَالْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتُ، وَ الْمُسَاحَةَ فِيهَا

سوی خود، و پیشی گرفتن به آنها را بدان صورت که دستور داده‌ای، و رقابت در آنها را به نحوی که

عَلَى مَا أَرَدْتُ، وَلَا تَمَحُقْنِي فِيمَنْ تَمَحُقُ مِنَ الْمُسْتَخِفِّينَ

خواسته‌ای برایم هموار کن، و مرا در زمره سبک‌شمزندگان تهدیدهایت که آنها را از میان برمی‌داری

بِمَا أَوْعَدْتُ، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ

از میان برندار، و همراه با کسانی که در معرض دشمنیت قرار گرفته‌اند و هلاکشان می‌کنی

لِمَقْتِكَ، وَلَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ سَبِيلِكَ،

هلاک مکن، و در زمره منحرفین از راههایت که تباهشان می‌کنی تباه مکن،

و نَجِّنِي مِنَ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَ خَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلُوْی،

و از گردابهای فتنه رهاییم ده، و از گلوگاه بلاها نجاتم بخش،

وَ اجِرْنِي مِنَ اخْذِ الْأُمَلَاءِ، وَ خُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي،

و از غافلگیر شدن در امانم بر، و بین من و دشمنی که به ضلالتم افکند،

وَ هَوَىٰ يُؤْبِقُنِي، وَ مَنَقَصَةٍ تَرْهَقُنِي، وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي

و هوسی که نابودم کند، و عیبی که از پایم اندازد فاصله شو، و از من روی مگردان آنگونه که رویگردان

إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ

می‌شوی از کسی که بعد از غضب بر او دیگر از وی خشنود نمی‌شوی، و از امید به خودت

الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَى الْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَمْنِحْنِي

نامیدم مکن به طوری که یأس از رحمتت بر من غالب شود، و چندانم مرحمت مکن

بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَطْنِي مِمَّا تَحْمِلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ،

که طاقتش را نداشته باشم و از زیادی محبتت گرانبار شوم

وَلَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِسْأَلَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ وَلَا حَاجَةَ

و مرا از دست لطف رها مکن همچون رها کردن کسی که خیری در او نبوده و تو را

بِكَ إِلَيْهِ وَلَا إِنَابَةَ لَهُ، وَلَا تَرَمْ بِي رَمًى مِنْ سَقَطٍ مِنْ عَيْنٍ

با او کاری نیست و راه برگشت ندارد، و مرا مانند کسی که از نظر التفات افتاده،

رِعَايَتِكَ، وَ مَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ

و همچون کسی که رسوایی از سوی تو تمام وجودش را گرفته دور مینداز، بلکه از

بِيَدِي مِنْ سَقَطِهِ الْمُتَرَدِّينَ، وَ هَلَلِ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَ زَلِّهِ

درافتادن درافتادگان، و هول و هراس گمراهان، و لغزش

الْمَغْرُورِينَ، وَ وَرْطَهُ الْهَالِكِينَ، وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ

فریب‌خوردگان، و پرتگاه تباه‌شدگان حفظ فرما، و از آنچه گروه بندگان و کنیزانت را به آن دچار

طَبَقَاتٍ عَبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ، وَ بَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيتَ بِهِ،

فرموده ای سلامت بخش، و به مقامات کسی برسان که به او عنایت داشته

وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَ رَضِيتَ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً، وَ تَوَقَّيْتَهُ

و بر وی انعام فرموده و از او خشنود شده‌ای، و سعادتمند زنده‌اش داشته، و نیکبخت

سَعِيداً، وَ طَوَّقَنِي طَوَّقَ الْإِفْلَاحِ عَمَّا يُحِيطُ الْحَسَنَاتِ، وَ

میرانده‌ای، و طوق پرهیز از موجبات بطلان حسنات و زوال برکات را

يَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ، وَ أَشْعِرُ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ

به گردنم انداز، و نفرت از زشتی گناه، و رسوایی

السَّيِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ

معصیت را در قلبم جای ده، و مرا به برنامه‌ای که جز با کمک تو به آن نمی‌رسم سرگرم مساز تا از

إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يَرْضِيكَ عَنِّي غَيْرِهِ، وَ أَنْزِعْ مِنِّي قَلْبِي حُبِّ دُنْيَا

که غیر آن تو را از من راضی نمی‌کند باز مانم، و از سویدای قلبم عشق دنیای دون را که مرا از

دَیْنَهٗ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ،

آنچه نزد توست باز می‌دارد، و از جستن وسیله به سوی تو مانع می‌شود

و تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ، وَ زَيْنٌ لِي التَّفَرُّدُ بِمُنَاجَاتِكَ

و از تحصیل مقام قرب به تو غافل می‌نماید ریشه‌کن فرما، و خلوت راز و نیاز با خود را

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ،

در شب و روز در نظرم بیارای، و به من مقام عصمتی عنایت کن که به خشیت تو نزدیک،

و تَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَ تَفَكِّنِي مِنْ أَسْرِ

و از ارتکاب محرّمات تو جدایم کند، و از اسارت گناهان کبیره

الْعِظَائِمِ، وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ، وَ أَذْهِبْ

رهایی ام دهد، و مرا از آلودگی گناه پاک کن، و پلیدی خطاها

عَنِّي ذَرْنَ الْخَطَايَا، وَ سَرِّبْنِي بِسِرِّبَالِ عَافِيَتِكَ، وَ رَدِّنِي

را از من ببر، و لباس عافیت خود را بر من بپوشان، و ردای سلامتت را

رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ، وَ جَلِّلْنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ، وَ ظَاهِرُ لَدَيَّ

بر دوشم افکن، و خلعت نعمتهای فراوان و کاملت را بر تنم کن، و احسان و نعمت خود را

فَضْلَكَ وَ طَوْلَكَ، وَ أَيْدِي بِتَوْفِيقِكَ وَ تَسْدِيدِكَ، وَ أَعْنِي

بر من پیاپی ساز و به توفیق و ارشادت تأییدم فرما، و بر

عَلَى صَالِحِ النَّيَّةِ، وَ مَرْضَى الْقَوْلِ، وَ مُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ،

نیت شایسته و کلام پسندیده و کار نیک یاریم ده،

وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي وَقَوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ،

و به جای حول و قوه خودت مرا به حول و قوه خودم وامگذار، و در آن روز که مرا برای لقای خود

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ، وَلَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيِ أَوْلِيَائِكَ،

برانگیزی خوار و ذلیلم - مکن، و در برابر اولیاءت رسوایم منما،

وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ الزَّمْنِيهِ

و یاد خود را از ذهنم مبر، و توان ادای شکر را از من سلب مکن، بلکه زمانی که

فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِلْآئِكَ،

جاهلان بی خبر غافلانه نعمتهایت را فراموش کنند ادای شکر را ملازم من ساز، و

وَ أَوْزِعْنِي أَنْ أَثْنِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَ اعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ،

توفیق ثنایت را به سبب آنچه به من عطا نموده‌ای، و اعتراف به آنچه را که ارزانیم داشته‌ای به من مرحمت کن،

وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، وَحَمْدِي إِيَّاكَ

و رغبتم را به سویت بالاتر از رغبت دیگران، و ستایشم را در حقت فوق ستایش دیگران

فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ، وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ،

قرار ده، و مرا به هنگام نیاز به خود دچار خذلان - مکن، و

وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسَدَيْتُهُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْبِهْنِي بِمَا جَبَهْتَ بِهِ

به سزای اعمالی که به پیشگاهت تقدیم داشته‌ام هلاکم منما، و آن گونه که دشمنان را از خود می‌رانی

الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ،

مرا از خود مران، چرا که من سرسپرده توام، می‌دانم که حجت تورااست،

وَ أَنْكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَ أَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ، وَ أَهْلُ التَّقْوَى،

و تو سزاوار به تفضل، و خو کرده به احسان، و شایسته آنی که از تو پروا گیرند،

وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَ أَنْكَ بِأَنْ تَغْفُوَ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَ

و اهل و آمرزشی، و آگاهم که به عفو کردن سزاوارتر از عقاب کردنی، و

أَنْكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى أَنْ تُشَهِّرَ، فَأَحْيِنِي حَيَوَةً

به پرده‌پوشی از پرده‌داری نزدیکتری، پس زنده‌ام بدار به حیات پاکیزه‌ای که

طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أَحَبُّ مِنْ حَيْثُ لَا اتِي مَا

خواسته‌هایم را برآورده کند، و همه آنچه را که دوست می‌دارم فراهم آورد بدون آنکه ناپسند

تَكْرَهُ، وَلَا ارْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ آمِنُنِي مِيتَةً مِنْ يَسْعَى

تواز من سرزند، و منهیات تو از من صادر شود، و مانند آن کسی بمیران که نور او از پیشاپیش

نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ، وَ ذُلِّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ اعِزَّنِي

و از جانب راستش - روان می‌شود، و مرا در محضرت ذلیل، و در نزد

عِنْدَ خَلْقِكَ، وَ ضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَ ارْفَعْنِي بَيْنَ

بندگان عزیز فرما، و چون به خلوت مناجات بنشینم خاشع کن، و در میان بندگان

عِبَادِكَ، وَ أَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَ زِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً

رفتم ده، و از آن که از من بی‌نیاز است بی‌نیازم کن، و بر فقر و تهیدستیم نسبت به حضرتت

وَ فَقْرًا، وَ أَعِزَّنِي مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ

بیفزا، و از سرزنش دشمنان (دشمن‌شادی)، و رسیدن بلا، و خواری

وَ مِنْ الدُّلِّ وَ الْعَنَاءِ، تَعَمَّدْنِي فِيمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا

و رنج پناهم ده، و درباره آنچه از زشتیهام آگاهی مرا بپوشان به آنچه که می پوشاند به آن کسی که به

يَتَّخِذُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ، وَ الْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ

سختگیری قدرت دارد ولی حلمش مانع است، و بر کیفر دادن تواناست

لَوْلَا أَنَاتُهُ، وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا أَفْجَنِّي مِنْهَا

اما شکیبایی می کند، و چون در حق قومی فتنه یا بدی بخواهی پس مرا از باب اینکه در پوشش تو

لِوَاذًا بِكَ، وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي

درآمدهام نجات ده، و چون مرا در دنیای خود در موقف افتضاح بپا نداشتی به همان صورت در جهان

مِثْلُهُ فِي آخِرَتِكَ، وَ أَشْفَعُ لِي أَوَائِلَ مِنْكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَ

آخرت در چنان موقعی بیامدار، و نعمت این جهان را برایم به نعمت آن جهان بپیوند، و

قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَنْقُصُو مَعَهُ

فوائد دیرینهات را با تازه های آن توأم کن و آنقدر مهلتم مده که در اثر آن به سگدلی

قَلْبِي، وَ لَا تَفْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَ لَا تَسْمُنِي

دچار شوم، و مرا دچار مصیبتی که به آبرویم لطمه زند مساز، و به فرومایگی ای

خَسِيسَةً يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي، وَ لَا نَقِصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا

که قدر و منزلتم را بکاهد، و عیبی که باعث گمنامیم شود

مَکَانِی، وَ لَا تَرْغَنِ رَوْعَةً أُولَئِیْ بِهَا، وَ لَا خِیفَةً أَوْجِسُ

دچار مکن، و آن چنانم مترسان که نومید شوم، و آن گونه بیمم مده که در برابر آن هراسناک

دُونَهَا، إِجْعَلْ هَیْبَتِی فِی وَعْدِکَ، وَ حَذَرِی مِنْ إِعْذَارِکَ وَ

شوم، چنان کن که وحشتم از تهدیدت، و پرهیزم از

إِنْدَارِکَ، وَ رَهْبَتِی عِنْدَ تِلَاوَةِ آیَاتِکَ، وَ أَعْمُرْ لَیْلِی بِإِیْقَاضِی

اتمام حجتت و هشدارت، و بیمناکیم هنگام تلاوت آیات باشد، و شبم را به بیداری برای عبادت

فِیهِ لِعِبَادَتِکَ، وَ تَفَرُّدِی بِالتَّهَجُّدِ لَکَ، وَ تَجَرُّدِی بِسُکُونِی

آباد کن، و تنهاییم را برای شبزنده‌داری، و مجردماندنم را برای انس گرفتن

إِلَیْکَ، وَ إِنْزَالِ خَوَائِجِی بِکَ، وَ مُنَازَلَتِی إِيَّاکَ فِی فَکَاحِ

با تو، و فرود آوردن حاجات به درگاه تو، و درخواست شدیدم از تو

رَقَبَتِی مِنْ نَارِکَ، وَ إِجَارَتِی مِمَّا فِیهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِکَ، وَ

را برای آزادی از آتشت، و پناه‌دادن از عذابی که اهل جهنم گرفتار آنند قرار ده، و

لَا تَذَرْنِی فِی طُغْیَانِی عَامِهَا، وَلَا فِی غَمَرَتِی سَاهِیًّا حَتَّى حِینِ،

مرا مدت زمانی در طغیان و سرکشی سرگردان، و در گرداب نادانی بی خبر قرار مده،

وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِّمَنِ اتَّعَظَ، وَلَا نَكَالاً لِّمَنِ اعْتَبَرَ، وَ

و مرا مایه پند پندگیران، و وسیله عبرت عبرت‌آموزان، و باعث گمراهی نظرکنندگان

لَا فِتْنَةً لِّمَنْ نَظَرَ، وَلَا تَمْكُرُ بِي فِيمَنْ تَمْكُرُ بِهِ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ

قرار مده، و مرا در جرگه آنان که گرفتار مکرّت شده‌اند میاور، و دیگری را به جای من

بِي غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، وَلَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي

انتخاب مکن، و نامم را از دفتر اهل سعادت تغییر مده، و بدنم را دچار بلا مکن، و مرا

هُزُؤًا لِخَلْقِكَ، وَلَا سُخْرِيًّا لَكَ، وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ،

مضحکه بندگانت و مسخره خود مساز، و جز تابع رضای خود مگردان،

وَلَا مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ، وَ أَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَ

و جز به انتقام گرفتن از دشمنات خدمتی به عهده من مگذار، و از لذت عفو و شیرینی

خُلَاوَةِ رَحْمَتِكَ وَ رَوْحِكَ وَ رِيحَانِكَ وَ جَنَّةِ نَعِيمِكَ، وَ

رحمت و رُوح و ریحان و بهشت نعیمت کامیابم کن، و

أَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَ الْاجْتِهَادِ

مزه دل پرداختن به آنچه را که به آن علاقه‌داری به سبب غنای بی‌پایانت، و کوشش برای تقرّب

فِيْمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَ عِنْدَكَ، وَ اتَّحِفْنِي بِتُحَفِّهِ مِنْ تَحَفَاتِكَ،

جستن به حضرتت را به من بچشان، و ارمغانی از ارمغانهایت را نصیب من فرما،

وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَ اخِفْنِي

و تجارتم را سودمند، و بازگشتم را بی‌خسارت گردان، و مرا از

مَقَامِكَ، وَ شَوْقُنِي لِقَائِكَ، وَ تُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ

مقام خود بیمناک، و به لقاییت مشتاق فرما، و به توبه‌ای خالص توفیق ده

مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ

که هیچ گناه کوچک و بزرگ و ظاهر و باطنی را با آن باقی

لَا سَرِيرَةً، وَ انْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اعْطِفْ

نگذاری، و دشمنی مؤمنان را از دلم برکن، و قلبم را

بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَ

بر خاشعان مهربان ساز، و با من آنچنان باش که با شایستگان هستی، و

حَلَّنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ،

به زینت پرهیزکارانم بیارای، و برایم یاد خوبی در میان بازماندگان، و آوازه

وَ ذَكَرًا نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ، وَ وَافٍ بِي عَرَصَةَ الْأَوَّلِينَ، وَ

روزافزونی در میان آیندگان قرار ده، و در جایگاه پیشتازانم برآور، و

تَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَ ظَاهِرُ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ، إِمْلَأْ

گشایش نعمت را بر من کامل کن، و کرامتهایش را برایم پیاپی فرما، دست

مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي، وَ سُقُ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَ جَاوِرُ بِي

خالیم را از فوائد خود پرکن، و موهبت‌های گرانقدرت را به سویم فرست، و مرا همسایه

الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ،

اولیای طاهرینت در بهشتی که برای برگزیدگانت آراسته‌ای قرار ده،

وَ جَلَّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ،

و ردای عطایای بزرگت را در مقاماتی که برای عاشقانت فراهم کرده‌ای بر من بپوشان،

وَأَجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَثَابَةً أَتَبَوَّعُهَا،

و برایم در آستان خود جایگاهی قرار ده که با دل آرام در آن بیارامم، و منزلی که در آن سکونت گزینم،

وَ أَقَرُّ عَيْنًا، وَ لَا تُقَايِسُنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكُنِي

و به آن دیده روشن کنم، و مرا با گناهان بزرگ مقایسه مکن، و در آن روزی که

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَ أَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ، وَ اجْعَلْ

اسرار برملا شود هلاکم مکن، و هر شک و تردیدی را از قلبم بشوی، و از هر

لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقاً مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَ اجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ

رحمتی برایم طریقی به حق باز کن، و بهره‌های مواهبم را از عطایای خود

مِنْ نَوَالِكَ، وَ وَفِّرْ عَلَيَّ خُطُوطَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ،

سرشار فرما، و نصیب‌های احسان را از انعامت بر من فراوان فرما،

وَ اجْعَلْ قَلْبِي وَاقِعاً بِمَا عِنْدَكَ، وَ هَمِّی مُسْتَفْرَغاً لِمَا هُوَ لَكَ،

و دلم را به رحمت مطمئن کن، و همتم را یکجا به کار خودت متوجه ساز،

وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَ أَشْرِبْ قَلْبِي

و مرا به کاری بگمار که عباد خاص خود را به آن می‌گماری، و به هنگام غفلت و

عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى وَ الْعَفَافَ

پریشانی خردها طاعت خود را با قلبم درآمیز، و توانگری و پاکدامنی

وَ الدَّعَةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الصَّحَّةَ وَ السَّعَةَ وَ الطُّمَأْنِينَةَ وَ الْعَافِيَةَ،

و راحت و سلامتی و تندرستی و گشایش در زندگی و آرامش و عافیت را برایم فراهم فرما

وَلَا تُحِبُّ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَلَا خَلَوَاتِي

و خوبیهایم را به سبب گناهی که با آن می‌آمیزد، و خلوت‌هایم

بِمَا يَعْزُضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ، وَ صُنْ وَجْهِي عَنْ

را به مفاسدی که از آزمایشت پیش آید تباه مکن، و ابرویم را از روانداختن

الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَ دُبْنِي عَنِ التِّمَاسِ مَا عِنْدَ

به هریک از جهانیان نگاه دار، و از طلبیدن آنچه نزد

الْفَاسِقِينَ، وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيْرًا، وَلَا لَهُمْ عَلَى

فاسقان است بازم دار، و مرا پشتیبان ظالمان، و یاور و دستیارشان در از

مَحْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيْرًا، وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ

بین بردن کتابت مساز، و از آنجا که خود آگاه نیستم چنانم نگهبان باش که

حِيَاظَةً تَقِيْنِي بِهَا، وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ

به آن محفوظم بداری، و درهای توبه و رحمت و مهربانی و روزی

رَأْفَتِكَ وَ رَزْقِكَ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِيْنَ، وَ أَتَمِّمُ

فراخت را به رویم بگشا، که من از رغبت‌کنندگان به سوی توام، و انعامت را

لی انعامک، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ، وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي

در حَقِّم کامل کن، که تو بهترین نعمت‌دهندگان، و باقی عمرم را برای خشنودیت

فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى

در حج و عمره قرار ده، ای پروردگار جهانیان، و درود خدا بر

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ

محمد و آل پاک و پاکیزه او، و سلام بر او و بر ایشان

وَعَلَيْهِمْ - أَبَدَ الْأَبْدِينَ.

باد سلامی پیوسته و جاودانه.